

مقایسه سیستم روحانیت بعد از مشروطه با بعد از انقلاب اسلامی ایران

احمد اسلامی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

روحانیت به عنوان یکی از زیر سیستم‌های (sab system) اجتماعی ایران در تعامل با محیط خارجی علاوه بر تاثیرگذاری از آن متاثر نیز می‌باشد. در این میان حرکت سیاسی - اجتماعی مشروطه و انقلاب اسلامی و نقش تاثیرگذار روحانیت در آن دو، پرسش از نتایج آن بر ساختار و کارکردهای روحانیت را در ذهن می‌پروراند؛ سوالی که پاسخ به آن بهره‌های فراوانی را در پیش بینی تحولات آتی روابط روحانیت و نظام سیاسی در اختیار محققین جامعه شناسی سیاسی قرار می‌دهد. روحانیت با شکست مشروطه تلاش نمود تا به ساختار پراکنده خویش وحدت بخشد و با انتقال مرجعیت به ایران خود را به مرکز تحولات نزدیک‌تر نماید. از نظر کارکردی نیز شاهد تقلیل در کارکردهای روحانیت هستیم. در حالی که با وقوع انقلاب اسلامی ساختار اقتداری و سازمانی روحانیت دچار تحول عظیمی شده و کارکردهایش گسترده‌تر گردیده است.

کلید واژه: روحانیت، مشروطه، انقلاب اسلامی، ساختار و کارکرد.

روحانیت به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران سیاسی کشور و ترابط ویژه آن با نظام سیاسی جمهوری اسلامی نیازمند بررسی علمی و روشمند می‌باشد. ورود روحانیت به عرصه سیاست و تلاش در ایجاد تحول در سیستم سیاسی عوارضی را برای روحانیت به همراه داشته است که شناخت این زوایا می‌تواند آسیب‌شناسی مناسبی را از تعامل روحانیت با نظام سیاسی در اختیار دلسوزان روحانیت و نظام سیاسی قرار دهد.

۲

اگر چه در منابع مختلف، توجه به نیروی اجتماعی روحانیت جزء جدانشدنی مباحث می‌باشد، اما مطالعه مستقل اندکی در ارتباط با روحانیت صورت گرفته است. نویسندگان چون حامد الگار، نیکی کدی، حائری و آیت مظفری تلاش‌هایی در جهت بازنمایی نقش روحانیت در تحولات اجتماعی ایران داشته‌اند، اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده بررسی تحولات خود روحانیت می‌باشد. در این میان تلاش نویسندگانی چون علیرضا شجاعی زند در مقاله "روحانیت و موقعیت جدید" و عبدالوهاب فراتی در کتاب "روحانیت و سیاست" به ترتیب در جهت معرفی این نهاد و ضرورت تحول در آن با توجه به شرایط زمانی کنونی و بررسی تحولات صورت گرفته در سیستم روحانیت بعد از انقلاب اسلامی با نگاهی غیر تاریخی و غیر مقایسه‌ای می‌باشد.

با توجه به نقصان موجود در پژوهش‌های صورت گرفته، نویسندگان در نوشته حاضر تلاش می‌کند تا با طرح الگویی مناسب، فهم تحولات سیستم روحانیت را تسهیل نموده و با بررسی تحولات صورت گرفته در دوره پس از مشروطه و بعد از انقلاب اسلامی و مقایسه آنها، منظر و مقدمه‌ای را برای آینده‌پژوهی روحانیت باز نماید.

۱- چهارچوب نظری:

برای بررسی تحولات روحانیت بهره‌گیری از چارچوب مناسب نظری که بتواند تطور تاریخی روحانیت و در نتیجه سیلان مفهومی آن را پوشش دهد ضروری است. یکی از مشکلات عمده در مطالعه روحانیت، استفاده از مفاهیم متداول و رایج اما مبهمی چون نهاد و سازمان است که خود باعث ابهام هرچه بیشتر موضوع می‌گردد. این امر که خود می‌تواند معلول عواملی چون عدم آگاهی کامل از مفاهیم به کار برده شده و



شماره ۱۱

نیز ماهیت لغزنده موضوعات اجتماعی باشد، ضرورت طرح مفهومی لایق برای پوشش دادن موضوع تحقیق و تعریف و مشخص کردن مفهوم به کار برده شده را ضروری می‌نماید.

با مقایسه مفاهیم نهاد، سازمان و سیستم می‌توان به روشنی دریافت که مفهوم سیستم علاوه بر آنکه جامعتر از دو مفهوم دیگر بوده و می‌تواند دوره‌های تاریخی روحانیت را پوشش دهد، به عنصر مهم تحول روحانیت که از اهداف این نوشته می‌باشد نیز به خوبی اشاره دارد.

۱-۱- تعریف سیستم و اجزای آن:

با دقت در مجموع تعاریفی که از سیستم صورت گرفته، (دوروسنی و بیشون، ۱۳۷۴، ص ۵۸، ۶۰، ۶۲/ رضائیان، ۱۳۷۷، ص ۲۸/ قلی پور، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶/ چیلکوت، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶/ فرشاد، ۱۳۶۲، ص ۴۳/ توسلی، ۱۳۸۶، صص ۲۰۹-۲۱۰/ خوشوقت، ۱۳۵۷، صص ۲۷-۲۸/ وست و چرچمن، ۱۳۶۹، ص ۵۸ و ۶۰) می‌توان سیستم را چنین تعریف نمود:

سیستم مجموعه‌ای از عناصر، اجزا و واحدهای کارکردی مرتبط و وابسته به هم می‌باشد. شبکه این روابط یک کل پویا و ساختاری خاص که دارای درجه‌ای از تداوم با حد و مرز نسبتاً مشخص و کارکردهای ویژه را که در ارتباط با محیط خارجی می‌باشد را شکل می‌دهد.

در تجزیه و تحلیل یک سیستم می‌توان از دو حیث ساختاری (Structure) و کارکردی (function) آن را مورد ارزیابی قرار داد (رضائیان، ۱۳۷۷، ص ۶۸/ دوروسنی و بیشون، ۱۳۷۴، ص ۲۶).

برای تعیین کارکردهای یک عنصر به جای اهداف از نتایج آن سوال می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۳۷)؛ از این روی بهترین راه برای شناخت کارکرد، در نظر گرفتن آن به عنوان یک اثر (Effect) می‌باشد (اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷). تجزیه و تحلیل کارکردهای یک سیستم دارای سطوح مختلفی است؛ در پائین‌ترین سطح به توزیع نقش‌های انفرادی و در بالاترین سطح به بررسی کارکردهای یک نهاد پرداخته می‌شود (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹). لازم به ذکر است در طول این نوشته بیشتر به کارکردهای نهادی روحانیت پرداخته خواهد شد.

در تجزیه و تحلیل ساختاری یک سیستم نیز آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد عناصر تشکیل دهنده آن می‌باشد؛ (رضائیان، ۱۳۷۷، ص ۶۸) چرا که ساخت یک سیستم همان مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته بوده

(رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۳۶) و با تعیین نحوه قرار گرفتن این اجزا وضع ساختاری یک سیستم مشخص می‌گردد (دوروسنی، ۱۳۷۴، ص ۲۷). از این اجزا و واحدهای اصلی که پدیدآورنده ساختار اجتماعی هستند با عنوان نقش (Role) یاد می‌شود. مفهوم نقش در علوم اجتماعی با مفهوم نقش در تئاتر مترادف بوده (خوشوقت، ۱۳۵۷، صص ۳۹-۴۰) و در اصل مشخص کننده رفتار افرادی است که دیگران از یک منزلت مشخص انتظار دارند (اچ. ترنر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲ / کوئن، ۱۳۷۴، ص ۵۷ / خوشوقت، ۱۳۵۷، ص ۳۰۲). الگوی ارتباط متقابل این نقش‌هاست که ساختار هر سیستم اجتماعی را شکل می‌دهد (اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸).

۴

بی‌گمان ساخت سازمان در کارکرد آن موثر بوده و تغییر کارکرد نیز منجر به تغییر ساخت می‌شود. باید توجه داشت که چگونگی هر سازمان متناسب با چگونگی کارکرد آن است، از این رو همچنان که کارکردهای اجتماعی گوناگون‌اند، سازمان‌ها نیز متنوع می‌باشند (برن و نیم کوف، ۱۳۵۶، صص ۳۳۰-۳۳۱).

طرح مفهوم سیستم با وجود مشترکاتی که با مفاهیم نهاد و سازمان دارد، (برای تعریف سازمان بنگرید به: برن و نیم کوف، ۱۳۵۶ (۲۵۳۶)، ص ۴۴۷، صص ۳۳۰-۳۳۲ / قلی پور، ۱۳۸۰، ص ۲۳ / دوران، ۱۳۷۰، ص ۱۸ / اچ. ترنر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱ / کوئن، ۱۳۷۲، ص ۱۳۵ و برای تعاریف نهاد نیز بنگرید به: وثوقی و نیک خلق، بی تا، ص ۱۴۶، صص ۱۵۰-۱۵۱ / کوئن، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰ / اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸) الگوی عامی است که می‌تواند علاوه بر بخش کارکردی دو مفهوم نهاد و سازمان، بخش ساختاری آنها را نیز پوشش دهد. اشاره به سازمان اداری (بروکراسی) و روابط اقتداری در یک سیستم هم بخش رسمی ساختار یک سازمان و هم بخش غیر رسمی که می‌توان از آن به عنوان نهاد یاد کرد، را در برمی‌گیرد.

۱-۲- روحانیت به مثابه یک سیستم:

روحانیت در نگاه سیستمی دارای اجزای به هم پیوسته‌ای چون مراجع تقلید، مبلغین، مدرسین و غیره می‌باشد، که هر یک از آنها در پی دستیابی به هدف والای سیستم، بخشی از کارکردهای روحانیت را بر عهده گرفته و در جهت برآورده شدن آن تلاش می‌نمایند. روحانیت به عنوان یک سیستم پویا، با محیط خارج از خود، در تعامل بوده و اهداف دوسویه معطوف به داخل (مانند حفظ انسجام و هویت بخشی به اعضا) و خارج (همانند تبلیغ و ترویج شعائر اسلامی) را در صدر امور خود قرار داده و با چالش‌هایی از خارج (با روی کار آمدن نظام‌های سیاسی مخالف) و داخل (از طریق شکل‌گیری گروه‌های فکری دگراندیش) مواجه می‌گردد. تقاضاها و حمایت‌ها از طریق ورودی به داخل سیستم راه یافته و در بخش میانی این اطلاعات تجزیه و



شماره ۱۱

تحلیل گردیده تا پاسخ‌های مناسبی به این تقاضاها داده شود. همه تلاشهای سیستم روحانیت را می‌توان در دو بخش مهم کارکرد دست‌یابی به هدف و نیز کارکرد تطبیقی این سیستم با محیط بیرون از خود خلاصه کرد. در نهایت سیستم برای اینکه بتواند به شکل پویایی عمل نموده و از آثار و نتایج اعمال خویش نیز مطلع گردد، بازخوانی را برای خود تعریف می‌نماید. سیستم به ظاهر ساده ولی پیچیده روحانیت نیز از این امر مستثنی نبوده و با حضور دائمی بخش‌های مختلف آن در جامعه به شکل امامت جمعه و جماعت، و گاهی به شکل مبلغ و مروج احکام در ایام و مراسم‌های خاص علاوه بر کارکردهای آشکار خود به این کارکرد پنهان نیز جامه عمل می‌پوشاند. حتی کارکرد مالی مانند اخذ وجوهات را نیز می‌توان یکی از مسیرهای بازخوانی سیستم روحانیت دانست. با مطالعه سیستم روحانیت به شکل تاریخی به روشنی می‌توان، میان گستردگی کارکردهای سیستم روحانیت و تعدد زیر سیستم‌های آن از یک سو، و پیچیدگی سازمانی و سلسله مراتبی بودن آن از سوی دیگر، رابطه تنگاتنگی را کشف نمود.

۲-۱-۱- ساختار روحانیت:

در نوشته پیش روی، ساختار سیستم روحانیت به سلسله‌ای از صاحبان نقش‌های مختلف مانند روات و محدثان، مراجع تقلید، مجتهدان، مدرسان، وعاظ، فضلا و طلابی که تحت یک نظام سلسله مراتب اقتدار و تفوق قرار داشته‌اند اطلاق می‌شود، که گاهی از سازمان اداری و بروکراتیک رسمی بهره جسته و با نوعی تقسیم کار در بین خود، در راه تحقق اهداف خاصی شکل گرفته و فعالیت می‌کنند (اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

۲-۱-۲- کارکردهای روحانیت:

در بررسی کارکردهای روحانیت می‌توان از دو نوع کارکرد اصیل (یا سنتی) و موقعیت‌مند (یا تاریخمند) یاد کرد (شجاعی زند، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲).

کارکردهای اصیل به کارکردهایی اطلاق می‌شود که اشاراتی در نصوص دینی (از جمله در قرآن آیات شریفه ۹ سوره زمر، ۱۲۲ سوره توبه و ۳۹ سوره احزاب) بر آنها وجود دارد. کارکردهای چهارگانه: تبلیغ و ترویج دین، تعلیم و تعلم دانش دین، صیانت و دفاع از آن و هدایت و اجرای مناسک را می‌توان از این باب ذکر کرد. هرچند این کارکردها به طور مستقیم شکل‌گیری قشر خاصی با عنوان روحانی را توصیه نمی‌کند، اما

وجود مفاهیمی چون علم آموزی، تبلیغ و تعلیم دین و ضرورت پاسداشت آن در منابع اسلامی به مرور زمان، شکل‌گیری چنین قشری را تسهیل و توجیه نموده است.

علاوه بر کارکردهای سنتی، کارکردهای موقعیت‌مندی را نیز روحانیت در طول تاریخ بر عهده گرفته است که در قالب کارکردهای اجتماعی و سیاسی قابل طرح می‌باشد.

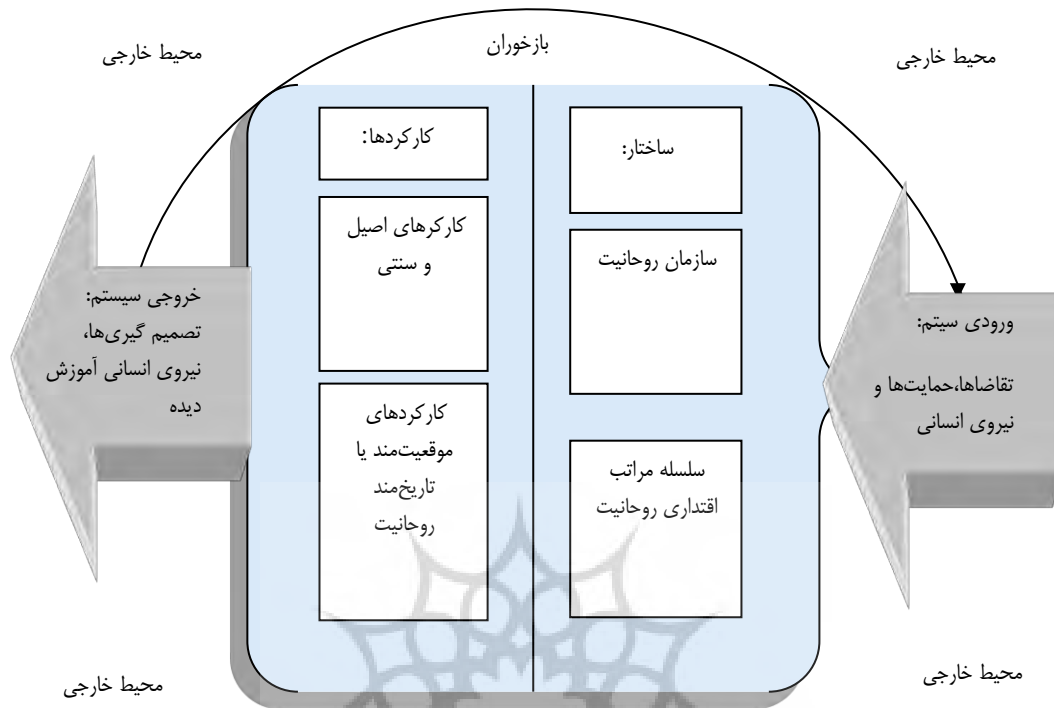
در بخش کارکردهای اجتماعی می‌توان به ایفای نقش جامعه مدنی یعنی میانجی‌گری بین دولت و مردم، حمایت از فقرا، تهی‌دستان و عامه مردم در مقابل ظلم و ستم حکام و انجام خدمات رفاهی اشاره کرد (جعفریان، ۱۳۷۰، ص ۶۵ / فوران، ۱۳۸۲، ص ۸۳ / الگار، ۱۳۵۹، ص ۵۱ / حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵ / لمبتون، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱؛ بی تا، ص ۳۰ / ملکم، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۵ / شمیم، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵ / کدی، ۱۳۶۹، ص ۶۳ / اجودانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱ / مظفری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷، ۱۵۹ / مارتین، ۱۳۸۹، ص ۳۸). از جمله کارکردهای اجتماعی روحانیت وظایف حقوقی و قضائی بود که علما در بخش‌های مختلف ایفا می‌نمودند (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۱۶).

کارکرد سیاسی روحانیت که از به هم آمیختگی دین و سیاست در اسلام ناشی می‌شود (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۳۳) را می‌توان در دو بخش رسمی (با اشغال پست‌های نظارتی یا تقنینی و اجرایی) و غیررسمی (در شکل نظارتی که از وظیفه دینی امر به معروف و نهی از منکر سرچشمه می‌گیرد) تقسیم‌بندی نمود.

از دیگر کارکردهای موقعیت‌مند روحانیت می‌توان به کارکرد نظامی (نقیب زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳ / مظفری ۱۳۸۷، ص ۱۶۰) و آموزشی اشاره کرد (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۱۶ / شمیم، ۱۳۸۳، ص ۳۷۹).

آنچه گفته شد تنها اشاره‌ای بود به کارکردهای آشکار روحانیت، لذا نباید از کژکارکردها و کارکردهای پنهانی چون مشروعیت‌بخشی سیاسی، ملت‌سازی و نیز مشروعیت‌زدایی غافل شد. همچنان که در دوره قاجاریه یکی از کارویژه‌های پنهان سیاسی روحانیت، نفوذ سیاسی در نظام قاجار بود (نفیسی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۷۲-۷۳).

با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان سیستم روحانیت را در قالب شکل زیر به تصویر کشید.



شکل ۱- شمایی از سیستم روحانیت

۱-۳- شکل‌گیری و توسعه سیستم روحانیت:

سیستم روحانیت در ابتدا با هدف آموزش و تبلیغ بنیادهای فکری شیعی شکل گرفت و در دوره حضور ائمه (ع) به جهت عدم دسترسی آسان به امام معصوم تقویت گردید؛ این روند با نزدیک‌تر شدن به دوره غیبت امام عصر (عج) قوت بیشتری یافت (حسینیان، ۱۳۸۰، صص ۱۰۸-۱۱۰). با غیبت امام دوازدهم (عج) نقش و اهمیت دینی و اجتماعی علما، از سویی به دلیل دسترسی نداشتن به امام معصوم و نواب خاص و از سوی دیگر به سبب ضرورت پاسخ‌گویی به نیازهای دینی مردم و مسائل جدید، روزافزون گردید (کدی، ۱۳۶۹، صص ۳۰/جناتی، ۱۳۷۸، صص ۷۷/حسینیان، ۱۳۸۰، صص ۱۱۸/زیبا کلام، ۱۳۷۷، صص ۶۱) و تحول علمی و عملی علما برای منطبق سازی خویش با شرایط جدید آغاز شد.

اجتهاد، مهم‌ترین تحول در اندیشه و عقاید شیعه در طول غیبت کبری تا شکل‌گیری حکومت صفوی در ایران، علاوه بر تحول رابطه مذهب و سیاست، (کدی، ۱۳۶۹، صص ۲۹) تأثیرات شگرفی را در ساختار

سازمانی و سلسله مراتب قدرت روحانیت ایجاد نمود. این تحول که مقدمه توسعه کارکردی و ساختاری روحانیت برای انطباق با شرایط بعد از غیبت بود، خود محصول تفوق نگاه اصولی بر اخباری می‌باشد (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۳۷ / آجدانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷). نگاه اصولی علاوه بر ایجاد رابطه مرجع و مقلدی، باعث شکل‌گیری و قدرت‌یابی روحانیت شده و ساختار بندی و سلسله مراتب قدرت در میان ایشان را نیز فراهم آورد. از این روی روحانیت با انسجام بخشی درونی و افزایش کمی علما در ابتدای قرن ۱۹ م، توانست در اواخر این قرن، پای به عرصه سیاسی نیز بگذارد (توال، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۴۶؛ زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

۸



شماره ۱۱

مقایسه سیستم روحانیت بعد از مشروطه با بعد از انقلاب اسلامی ایران

هرچند مذهب تشیع فاقد سلسله‌مراتبی است که در کلیسا قابل مشاهده هست، (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۵۹، ۱۰۶) اما به مرور زمان با توجه به اقتضات زمانی، حرکت به سمت نوعی سازمان‌یابی را شاهد هستیم. ساختار و سازمان‌یابی روحانیت در قرن ۱۹ که از عوامل قدرت‌یابی آن به شمار می‌رود، با سلسله‌مراتبی ویژه همراه است. در این قرن به دلیل افزایش اقتدار مجتهدان، سلسله‌مراتب سه طبقه‌ای حجت‌الاسلام‌ها، آیت‌الله‌ها و آیت‌الله‌العظمی‌ها، قوت یافت. این امر اقتدار روحانیت سطح بالا را نسبت به سطح پایین آن افزایش داد و به نفوذ بیشتر روحانیت برجسته در میان توده‌ها منجر شد (توال، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۴۷).

از ویژگی‌های روحانیت در دوره‌های مختلف تاریخی استقلال مالی، قلمرویی و مدیریتی آن می‌باشد (کدی، ۱۳۶۹، صص ۶۰-۶۱ / اخلاقی، ۱۳۸۴، صص ۹۰-۹۱ / ملک زاده، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۲ / علم الهدی، ۱۳۷۹، صص ۳۸-۴۰). بر اساس مستندات تاریخی، منابع مالی حوزه عمدتاً مردمی بوده و از راه‌هایی چون وجوهات شرعی، موقوفات و بخشش‌ها و هدایای خلفا و حکمرانان تامین شده است (مارتین، ۱۳۸۹، ص ۳۹ / الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۸ / اخلاقی، ۱۳۸۴، صص ۱۷۴-۱۷۶). مردمی بودن منابع اگرچه گاهی باعث وابستگی به مردم و عدم آزادی در تفسیر دین می‌شود، (لمبتون، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳) اما بر استقلال آنها در برابر قدرت سیاسی می‌افزاید. در تاریخ حوزه و روحانیت شیعه، مدیر و ریاست حوزه به صورت انتخابی و طبق آیین نامه و به شکل رسمی نبود، بلکه به صورت طبیعی، افرادی که از نظر دانش و فضل و تقوا نسبت به دیگران شایسته‌تر بودند، عهده‌دار این منصب می‌شدند و بر این اساس، هم مقام مرجعیت و هم منصب مدیریت حوزه بر عهده یک نفر بود (اخلاقی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹).

۲- مشروطه و تحولات ساختاری کارکردی سیستم روحانیت:

با وجود تلاشهای بسیار، مشروطه به اهداف خویش در واژگونی نظام استبدادی، ایجاد امنیت و بریدن دست اجانب از کشور دست نیافته (شمیم، ۱۳۸۳، ص ۵۵۹/ ملک زاده، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۲۷۳/ کسروی، ۱۳۷۹، ص ۶۲) و به شکست می‌انجامد (فوران، ۱۳۸۲، ص ۲۹۲). با فروکش کردن تب و تاب مشروطه‌خواهی، بسیاری از روحانیون حتی از شنیدن نام مشروطه نیز اکراه داشتند، چندان که آیت‌الله نائینی، نسخه‌های بجای مانده از تنبیه‌الامه را جمع‌آوری نمود (حائری عبدالهادی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷، ۳۳۴/ ابوالحسنی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹/ الگار، ۱۳۶۹، ص ۳۷۹).

از عوامل عدم رغبت روحانیت به مسائل سیاسی و کم‌رنگتر شدن نقش سیاسی ایشان، اختلاف و دو-دستگی میان ایشان در باب مشروطه، (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳/ حسینی زاده، ن، ۱۳۸۶، صص ۳۷-۳۹) به دار آویخته شدن شیخ فضل‌الله نوری (زیبا کلام، ۱۳۷۷، ص ۴۶۶) و ترور آیت‌الله بهبهانی بود (سیف، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰/ نجفی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳، ۱۳۳/ جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۷۱/ فوران، ۱۳۸۲، ص ۲۷۹). هرچند نباید از تند روی روشنفکران و خطامشی سکولاریستی و تلاششان در جهت حذف روحانیت از صحنه سیاسی ایران غافل شد (زیبا کلام، ۱۳۷۷، ص ۴۶۷/ فوران، ۱۳۸۲، صص ۲۸۸-۲۸۹/ آبراهامیان، ۱۳۷۸، صص ۹۱، ۹۴-۹۶). در نهایت این عوامل باعث دلسردی و کناره‌گیری علمای بزرگ از سیاست (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲) و توقف اندیشه ورزی دینی-سیاسی ایشان شده (عنایت، ۱۳۶۲، ص ۲۹۸) و به حاکمیت روشنفکران و استبداد رضا خانی انجامید.

رضا شاه بعد از قدرت‌گیری تلاش فراوانی برای حذف مذهب و نقش اساسی روحانیت در بخش‌های مختلف جامعه نمود؛ (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۷۴) از مهم‌ترین این تلاش‌ها می‌توان به سلب استقلال مالی روحانیت از طریق گرفتن موقوفات از حوزه، (صفایی، ۱۳۵۶، ص ۲۸۶/ Faghfoory, 1993, p289) تضعیف کارکرد تعلیمی و تربیتی روحانیت و کاهش موقعیت و جایگاه اجتماعی ایشان با تاسیس مراکز آموزشی جدید، (Faghfoory, 1993, P 286) حذف قرآن و شرعیات از متون درسی مدارس جدید با عمده هدف سلب نفوذ و موقعیت روحانیون در امر آموزش و پرورش، (بصیرت منش، ۱۳۷۶، صص ۷۳-۷۴) تاسیس دانشگاه معقول و منقول با هدف تربیت نیروهای دلخواه و تضعیف کارکرد آموزشی روحانیت، (بصیرت منش، ۱۳۷۶، صص ۸۹-۹۲) تاسیس موسسه وعظ و خطابه (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۰) به قصد تحت کنترل درآوردن کارکرد

سنتی تبلیغ و ارشاد روحانیت و انجام اصلاحاتی در قوه عدلیه برای تضعیف کارکرد قضایی روحانیت (فوران، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱) اشاره کرد.

در نتیجه این تلاش‌ها ظرفیت آموزشی مدارس جدید، ۱۰ تا ۱۲ برابر افزایش یافت (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۸۷ / ازغندی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰) و تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان داخل و خارج رو به فزونی گذاشت؛ در حالی که افزایش ثبت نام در مکتب‌خانه‌ها به نسبت بسیار کمتر بود و تعداد طلاب علوم دینی کمتر و کمتر می‌گردید (آبراهامیان، ۱۳۷۸، صص ۱۳۲-۱۳۳). طبق آماری در سال ۱۳۰۴ تعداد مدارس دینی ایران ۲۸۲ باب و تعداد طلبه‌های آن ۵۹۸۴ نفر بوده است (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۸۷). در حالیکه، ۱۶ سال بعد از روی کار آمدن رضا شاه در سال ۱۳۲۰ تعداد مدارس به ۲۰۶ باب و طلبه‌های آن به همراه ۲۴۹ نفر مدرس، مجموعاً به ۱۰۰۰ نفر می‌رسند. یعنی تعداد طلاب به کم‌تر از یک پنجم پانزده سال قبل می‌رسد (ایوانف، ۱۳۵۶، ص ۸۷). حوزه علمیه قم که در این دوره بزرگ‌ترین حوزه کشور است، در سال ۱۳۲۰ کم‌تر از ۳۰۰ نفر طلبه دارد (سلطانی، ۱۳۷۰، ص ۴۷). به هر حال با تضعیف ارزش‌های دینی در دوره رضاشاه، مراجعه به روحانیان بسیار کاهش یافته و موجب ضعف دستگاه مرجعیت، کاهش شمار طلاب و فضلا و افزایش فشار مالی و سیاسی بر روحانیان گردید (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۴۸).

با روی کار آمدن محمدرضا شاه نیز اگرچه وعده‌های مبنی بر اعطای آزادی‌های بیشتر و جبران گذشته داده شد (جامی ۱۳۵۵، ص ۸۴) و اجتماعات مذهبی و سایر گردهمایی‌ها برخلاف گذشته علناً برگزار می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶)؛ اما او نیز همانند پدرش بعد از آنکه قدرت رویارویی با روحانیت را کسب کرد سیاست‌های خود را در قبال مذهب و روحانیون تغییر داد (ایوانف، ۱۳۵۶، صص ۲۰۹-۲۱۰). دولت مستقیم و غیرمستقیم قدرت روحانیان را در بخش‌هایی چون آموزش و پرورش، موقوفات و دادگستری تضعیف می‌کرد. به جای تقویم هجری، تقویم شاهنشاهی را جایگزین کرد، روحانیان مخالف را در معرض حملات مستقیم قرار داده و به توقیف، تبعید و شکنجه مخالفان پرداخت (فوران، ۱۳۸۲، ص ۵۰۰ و ۵۵۲).

روحانیت به عنوان سیستمی پویا تلاش می‌نمود تا از طریق کارکرد تطبیق، خود را با تحولات صورت گرفته در محیط خویش سازگار نماید. به طور کلی در دوره بعد از مشروطه روحانیت در برابر نفی کلیت خود، رویکردی سلبی به سیاست گرفته و به درون ساختار سنتی خود بازگشته (فراستی، ۱۳۸۷) و برای بازسازی خویش تلاش می‌نماید.

۱-۲- تحولات ساختاری روحانیت:

انتقال مرکزیت حوزه و مرجعیت عمومی به ایران یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره می‌باشد. به نظر می‌رسد مشکلات به وجود آمده در رهبری انقلاب مشروطه، به جهت دور بودن نهاد مرجعیت عمومی از ایران، انتقال مرجعیت به ایران را ضروری نمود (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۳۵؛ ذاکری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱). بازگشت عالمی چون شیخ عبدالکریم، به ایران و ترجیح حفظ حوزه بر جانشینی میرزای شیرازی و سید کاظم طباطبائی (نیکو برش، ۱۳۸۱، صص ۵۲-۵۳ / تهرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۱۵۸ / فیاض، ۱۳۷۸، صص ۵۷-۵۸) و نقش سلطان‌الواعظین، واعظ معروف دوره مشروطه در جریان استقرار آیت‌الله حائری در قم، می‌تواند وجهی بر هدفمندی تشکیل حوزه علمیه قم باشد (فیاض، ۱۳۷۸، صص ۶۰-۶۱ / نیکو برش، ۱۳۸۱، صص ۶۲-۶۳). می‌توان گفت، تأسیس حوزه علمیه قم مهم‌ترین واکنش علما در مقابل شرایط نوین فکری و سیاسی بود و دستاوردهای گسترده‌ای را به همراه داشت (جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۸۶).

با تبعید رضا شاه فضای مناسبی برای قدرتیابی و سازمان‌بخشی روحانیت ایجاد گردید. آقای بروجردی امور مالی و شهریه طلاب را سازماندهی نموده و با ایجاد سیستم وکلایی منظم در مناطق مختلف، توانست هم به شکل مناسبی وجوهات شرعی را که از طریق آن پرداخت شهریه مقدور می‌گردید، جمع‌آوری نماید؛ (الگار، بی تا، ص ۴۰) و هم از این طریق، شبکه ارتباطی مناسبی بین حوزه قم و مردم مناطق مختلف فراهم نماید (بخشایشی، بی تا، جلد سوم، ص ۱۴۵-۱۴۶ / روحبخش، ۱۳۸۴). او به تاسیس و احیای حوزه‌های علمیه در دیگر شهرهای کشور همت گماشت (روحبخش، ۱۳۸۸ ص ۵۹) و از این طریق، روحانیت کاهش نیروهای خود در دوره رضا شاه را جبران نمود؛ به گونه‌ای که تنها شهر قم در سال ۱۳۲۶ دو هزار و در سال ۱۳۳۵ پنج هزار طلبه در خود جای داده بود (جعفریان، ۱۳۸۰، صص ۲۲۵-۲۲۶). از نتایج انسجام مدیریتی برای راس هرم اقتداری امکان کنترل بیشتر بر رفتارهای سیاسی روحانیون بود. عکس‌العمل روحانیت در مورد ترور ناموفق شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ شاهد گویایی بر این امر می‌باشد (بیل و لوییس، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳).

۱-۱-۲- سلسله مراتب اقتداری ساختار روحانیت:

با تاسیس حوزه علمیه قم، انتقال مرجعیت عمومی به ایران تسهیل شده و از این طریق ساختار اقتداری روحانیت دچار تحول میشود. اگر چه مرجعیت عمومی با وفات آیت‌الله حائری از ایران رخت برمی‌بندد؛ اما در زمان آیت‌الله بروجردی دوباره به ایران بازمی‌گردد (بدلا، ۱۳۷۸، ص ۴۰، ۱۴۵ / جعفریان، ۱۳۸۰، صص ۲۲۳-

۲۲۴). هرچند بعد از مشروطه ایجاد وحدت در راس هرم اقتداری روحانیت و تمرکز در مدیریت حوزوی از آمال روحانیت بوده و با اعتقاد به موثر بودن رهبری واحد، تمهیداتی برای مرجعیت واحد آیت‌الله بروجردی از سوی علما فراهم می‌گردد (کرباسچی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵، ۹۷) اما با وفات ایشان در سال ۱۳۴۰، بار دیگر ساختار اقتداری روحانیت دچار تجزیه و پراکندگی می‌شود (کدی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۶). امری که خوشایند حکومت بوده و تلاش می‌نماید با دامن زدن به این پراکنده‌گی، مرجعیت را به خارج از ایران انتقال دهد (رفسنجانی، ۱۳۶۰، صص ۶-۷). اگرچه وجود تمرکز در مرجعیت قدرت فزاینده‌ای برای روحانیت ایجاد می‌نمود، اما به جهت عوارض و کارکردهای منفی با وفات آیت‌الله بروجردی، مورد تردید قرار گرفته و مباحثی مبنی بر ضرورت تحول در نظام روحانیت و تخصصی‌شدن مرجعیت و شورایی شدن آن مطرح گردید (عنایت، ۱۳۶۲، صص ۲۸۰-۲۷۹ / صاحب الزمانی، ۱۳۴۵، صص ۱۴۶، ۱۵۳-۱۵۹).

بخش میانی هرم اقتداری روحانیت یعنی فضلا و مدرسان، اگرچه انسجام امروزی را نداشت، اما از چنان قدرتی برخوردار بود که با ترغیب و اسکان مرحوم حائری و آیت‌الله بروجردی در قم (کرباسچی، ۱۳۸۰، ص ۹۶ / بدلا، ۱۳۷۸، ص ۴۰، ۲۸، ۱۴۲-۱۴۵ / مبرقی، ۱۳۷۰، ص ۷۱) باعث ایجاد تحول در ساختار اقتداری روحانیت گردد.

بخش تحتانی هرم نیز همچون دیگر بخش‌ها، متأثر از سیاست‌های سکولاریستی رضا شاه بوده و دچار ضعف گردیده بود. که خود از عوامل کاهش میزان نفوذ مراجع محسوب می‌گردد (جعفریان، ۱۳۸۰، صص ۲۲۴-۲۲۵). از این روی مرجعیت، تلاش فروانی در حفظ و گسترش این بخش نمود و توانست تعداد روحانیون را افزایش دهد (آبراهامیان، ۱۳۷۸، ص ۳۹۶ / فوران، ۱۳۸۲، صص ۴۹۸-۴۹۹).

۲-۲- تحول در کارکردهای سنتی و موقعیت‌مند روحانیت:

مهم‌ترین کارکردهای روحانیت در دوره قاجار شامل، آموزش در همه سطوح، انواع فعالیت‌های قضایی و حقوقی و در نهایت خدمات اجتماعی و رفاهی بود. (کدی، ۱۳۶۹، ص ۶۱) با توجه به تحولات سیاسی بعد از مشروطه و روی کار آمدن دولت رضا شاه بسیاری از کارکردهای روحانیت در بخشهای مالی، آموزشی، تبلیغی، تبلیغی و قضائی با محدودیت اساسی روبرو گردید. در این میان بیشترین آسیبها نصیب کارکردهای سیاسی و اجتماعی ایشان می‌شود.

کارکرد سیاسی چه در بخش تصدی پست‌های اجرایی و تقنینی و چه در بخش نظارت بر مسائل سیاسی با کاهش چشم‌گیری روبرو می‌شود. نظارت روحانیون بر مصوبات مجلس که با تلاش شیخ فضل‌الله در ماده دوم متمم قانون اساسی گنجانده شده بود، با اتمام دوره دوم مجلس که طی آن تنها دو تن از علما قبول مسئولیت کرده بودند، به فراموشی سپرده شد (سیر قانون‌گذاری در ایران معاصر، مجله حوزه، شماره ۱۸، دی ۱۳۶۵، ص ۱۳۳۲ / حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۳۴۲). در این میان تعداد نمایندگان روحانی مجلس نیز با سیر نزولی همراه بود (شجیعی، ۱۳۷۱، ج ۴، صص ۲۷۳-۲۷۴).

۱۳



شماره ۱۱

مقایسه سیستم روحانیت بعد از مشروطه با بعد از انقلاب اسلامی ایران

هرچند در طول مشروطه در میان روحانیت یک اراده قوی نسبت به حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شکل گرفته و منظر سیاسی دین به شدت تقویت گردیده بود؛ (الگار، ۱۳۶۹، صص ۳۷۹-۳۸۰) اما با شکست مشروطه این حرکت دچار تزلزل و نشست گردید و روحانیت بر کارکردهای سنتی خود تمرکز پیدا می‌کند. از میان روحانیون تعداد معدودی چون مدرس و کاشانی به فعالیت‌های سیاسی پرداخته و به آن استمرار بخشیدند. این افراد از رده‌های پایین حوزه بوده و از الگوی عملی علمای طراز اولی چون آیات‌عظام حائری، سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی، پیروی نکردند (زیبا کلام، ۱۳۷۷، ص ۴۶۶؛ جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲؛ فوران، ۱۳۸۲، صص ۴۲۶-۴۲۷؛ الگار، ۱۳۶۹، صص ۳۷۹-۳۸۰. آذرشب، تاریخ صد ساله روحانیت). اکثریت روحانیون در مقابل رفتار ضد مذهبی رضا شاه مقاومت سازمان یافته‌ای از خود نشان ندادند و اعتراضات بیشتر در جلسات خصوصی انجام می‌گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۷۴). در مجموع می‌توان گفت رفتار تند و خشن رضا شاه، باعث هرچه دورتر شدن اکثریت روحانیت از عرصه‌های سیاسی در دهه ۱۳۱۰ گردید (فوران، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶).

مرحوم حائری در طول زعامت خود تلاش نمود تا از هرگونه حرکت و عملی که به نوعی حکومت رضا شاه را تایید می‌کرد و یا بیم آن وجود داشت که موجب حساسیت‌زایی باشد پرهیز می‌نمود (بصیرت منش، ۱۳۷۶، ص ۲۴۰ / فیاض، ۱۳۷۸، ص ۸۴، ۸۶) و به جز چند مورد، در مسائل سیاسی دخالتی نکرد (مکی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۷ / حائری عبدالهادی، ۱۳۶۴، ص ۱۸۹ / فیاض، ۱۳۷۸، ص ۸۳). آیت‌الله بروجردی نیز با وجود آنکه تفسیری سیاسی و اجتماعی از دین و احکام اسلامی داشت، (حائری یزدی، مهدی، ۱۳۸۲، ص ۶۰) اما از حیث عملی همچنان سیاست‌گریزی دوره آیت‌الله حائری را ادامه داده و تلاش نمود تا با دولت به چنان تعاملی دست یابد که مرجعیت نه از هم گسیخته گردد و نه تحت الشعاع حکومت قرار گیرد (حائری یزدی،

مهدی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). او بر مبنای تجربیات مشروطه از سیاست کناره‌گیری می‌کرد و بیشتر به بازسازی و سامان‌دهی حوزه‌های علمیه و تربیت عالمان فرهیخته همت می‌گماشت (دوانی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۳۳۸/ کرباسچی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱). با وجود مشی غیر سیاسی آیت‌الله بروجردی و ترجیح تقویت و بازسازی سازمانی روحانیت (فوران، ۱۳۸۲، صص ۴۲۶-۴۲۷)، قدرت‌گیری ساختار حوزه پرده از تمایلات سیاسی ایشان برداشته و با نزدیکتر شدن به اواخر دهه ۳۰، تنشها با دولت افزایش می‌یابد (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۹). با وفات ایشان، فضای مناسبی برای بروز افکار سیاسی متنوع در سطوح مختلف روحانیت در قالب سه گرایش سیاسی عمده یعنی علمای کاملاً غیرسیاسی، میانه‌رو و انقلابی شکل می‌گیرد (آبراهامیان، ۱۳۷۸، صص ۴۳۶-۴۳۷).

در بخش کارکرد اجتماعی روحانیت نیز تحول اساسی رخ داد. اگر چه روحانیت از گذشته دور به جهت آنکه تنها نیروی مقاوم در برابر رژیم بود (شمیم، ۱۳۸۳، ص ۳۷۵)، نقش جامعه مدنی را ایفا نموده و در مقابل ظلم و تعدی حکومت پناهگاه محکمی برای مردم بودند؛ اما در دوره بعد از مشروطه و به خصوص زمان رضا شاه، دیگر خانه علما و مقام معنوی و اجتماعی ایشان مانع تعدی حکومت به مردم نمی‌گردید؛ بلکه خود علما هم از امنیت کافی برخوردار نبودند. ضرب و شتم آیت‌الله بافقی توسط رضا شاه (مکی، ۱۳۸۰، ج ۴، صص ۲۶۵-۲۶۷) نمونه روشنی از این دست است. این کارکرد نیز همچون کارکرد سیاسی با قدرت‌یابی مجدد روحانیت خود را نمایان می‌کند (حسینیان، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵). به عنوان نمونه، می‌توان به مخالفت آیت‌الله بروجردی با طرح اصلاحات ارضی در سال ۱۳۳۹ (فوران، ۱۳۸۲، ص ۴۹۹/ کدی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۶/ جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹) اشاره کرد.

کارکردهای سنتی:

بعد از مشروطه روحانیت بیشتر به کارکردهای سنتی و دینی خود پرداخته و کمتر به مسائل سیاسی روی آوردند (نیکو برش، ۱۳۸۱، ص ۲۰). سیاست‌ها و اقدامات رضا شاه و افت موقعیت اجتماعی و سیاسی روحانیت (بشیریه، ۱۳۷۹، ص ۲۴۴) و نیز اتفاقات ناگواری که در دوره مشروطه بر روحانیت رخ داده بود تحول کارکردی روحانیت در این دوره و بازگشت به کارکردهای سنتی از قبیل موعظه و خطابه (نیکو برش، ۱۳۸۱، صص ۶۲-۶۳) را توجیه می‌نماید. تمرکز بر کارکردهای سنتی را می‌توان در تاسیس مرکزی آموزشی به نام "دار التبلیغ" توسط آیت‌الله شریعتمداری، مشاهده نمود (رازی، ۱۳۵۲، صص ۱۶-۲۰؛ جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۳۰۸ و ۳۱۶-۳۱۹).

۳- انقلاب اسلامی و تحولات ساختاری کارکردی روحانیت:

وفات آیت‌الله بروجردی(ره) نقطه عطفی در ورود مجدد روحانیت به عرصه سیاست بود. رحلت این عالم ربانی، باعث تحول در ساختار اقتداری و کارکردهای موقعیت‌مند روحانیت و تعامل نظام سیاسی با ایشان گردید. از سویی نظام روحانیت شاهد مرجعیت متعدد و مطرح شدن مرجعی سیاسی به نام امام خمینی بود و از دیگر سوی، نظام سیاسی نیز تلاش نمود تا از خلا موجود در رأس قدرت روحانیت برای اجرای برنامه‌های خود بهره گیرد. هم زمانی این دو باعث رویارویی روحانیت انقلابی با نظام سیاسی شده و به شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ختم گردید. نقش بی‌بدیل روحانیت در رهبری انقلاب اسلامی تنها آغازی بود بر ورود روحانیت به عرصه سیاست و مشارکت در قدرت. با پیروزی انقلاب اسلامی روحانیت از تجربه تلخ خویش در شکست مشروطه بهره جسته و با منسجم نمودن نیروهای خودی در قالب حزب جمهوری اسلامی و دقت در مناسب روحانیت در قانون اساسی جدید، تلاش نمود تا الگوی محکم و ثابتی را برای مشارکت خویش در قدرت آینده پی‌ریزی نماید. این امر به خوبی در بخش مقدمه و اصول دوم، چهارم، پنجم، پنجاه هفتم، نود سوم، صد هفتم و صد دهم قانون اساسی جدید قابل شناسایی می‌باشد(بشیریه، ۱۳۸۴، صص ۵۷-۵۸). با بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز اختیارات رهبری افزایش یافت(حسینی زاده، ا، ۱۳۸۶، ص ۳۷۶).

به هر روی وقوع انقلاب اسلامی ایران، تحول مهمی در محیط سیاسی و اجتماعی روحانیت بوده و آثار مهمی بر ساختار و کارکردهای سیستم روحانیت بر جای گذاشت (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، صص ۳۸-۳۹). با این تحول زمینه و بستر رشد حوزه‌های علمیه فراهم گردید و حوزه از فشار و تنگناهای شدید سیاسی، امنیتی و اقتصادی رها شد. رونق کمی و رشد کیفی تحقیقات، آموزش، تبلیغات و انتشارات دینی از دیگر نتایج این تحول عظیم می‌باشد (ذوعلم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۳).

۳-۱- تحولات ساختاری:

۳-۱-۱- ساختار اقتداری:

به نظر می‌رسد با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، ساختار اقتداری گذشته روحانیت با تحولاتی عمیق مواجه شده است.

مراجع تقلید:

مرجعیت به جهت دانش بیشتر در صدر نظام نخبه گرای روحانیت بوده و این مقام در صورت تفوق علمی در دست فرد واحد قرار می‌گیرد (فراتی، ۱۳۹۰، صص ۴۰-۴۱). با وفات آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ ه.ش، موضوع مرجعیت واحد و عامه منتفی شد تا اینکه امام خمینی(ره) در دوران بعد از انقلاب با چهره‌ای کاریزماتیک به پیشوای بی بدیلی تبدیل شده و به مرجعیت عام و واحدی دست می‌یابد. با رحلت امام و مراجع بزرگ دیگری چون آیت‌الله اراکی مرجعیت با پراکنده‌گی مواجه شده و با دخالت جامعه مدرسین در تعیین هفت تن از مجتهدان به عنوان مراجع تقلید وضعیت پراکنده‌گی شکلی رسمی به خود گرفته و باعث تضعیف نقش مرجعیت در جامعه و حتی امور حوزه گردید (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، صص ۶۷-۶۹). برخی از نویسندگان شرایط حاکم بر ساختار روحانیت (عدم تشکیل مرجعیت واحد و متمرکز) را خواسته حکومت و ناشی از عدم رضایت ایشان بر شکل‌گیری قدرتی خارج از خود تفسیر کرده‌اند (1994, pp 15-16, Laurent Lamote). تعیین مرجعیت و حتی سلب آن از سوی گروهی خاص مانند جامعه مدرسین از جمله تحولات صورت گرفته در نظام داوطلبانه و مردمی مرجعیت می‌باشد. از دیگر تحولات صورت گرفته در ساختار قدرت روحانیت بعد از انقلاب، شکل‌گیری مقام جدیدی به نام ولی فقیه است که از سطوح فوقانی ساختار روحانیت، متصدی امر ولایت شده (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۵۰) و اقتدار سنتی مرجعیت را حد زیادی تحت الشعاع اقتدار خویش قرار داده است.

مدرسان و فضلا:

هرچند این گروه همواره در حاشیه اقتدار مرجعیت زیسته و اعتبار وجودی و علمی خود را از مراجع اخذ نموده‌اند، اما در سالیان اخیر به جهت عدم وجود وحدت مرجعیت، به اهمیت نقش ایشان افزوده شده و از نفوذ بیشتری به نسبت گذشته برخوردار شده (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، صص ۶۹ - ۷۰) و در قالبی سازمان یافته (همانند جامعه مدرسین) در تعیین و خلع مرجعیت نقش ایفا نموده‌اند. امری که با تعیین مرجعیت در تعارض بوده و باعث تضعیف نقش مدنی مراجع شده (فراتی، ۱۳۹۰ ص ۲۱۹) و به جهت تفکیک رهبری از مرجعیت، تأثیرات تعیین کننده‌ای در روند سیاسی کشور دارد (زهیری، ۱۳۸۹، صص ۲۶-۲۷).

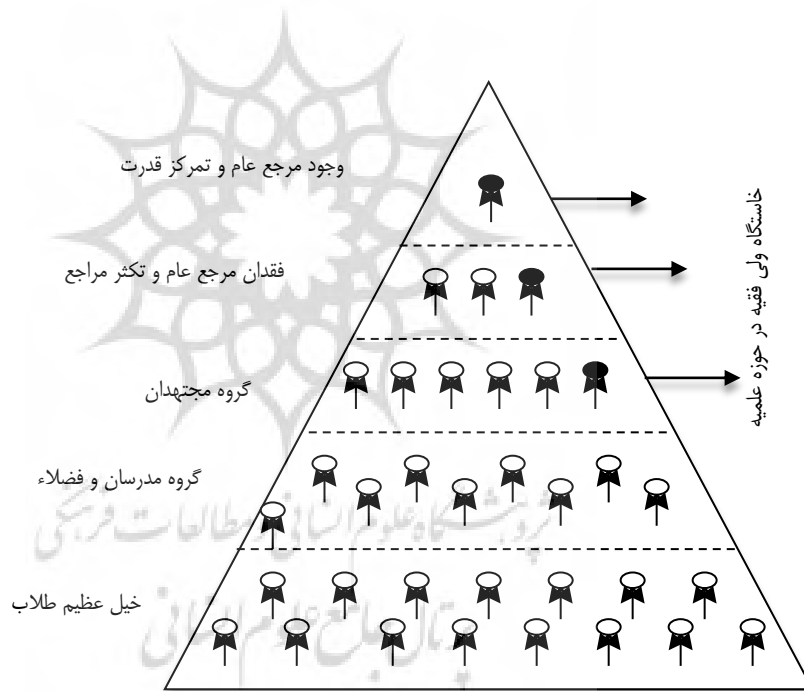
توده طلاب:

در ساختار سلسه مراتبی روحانیت نهایتاً می‌توان به توده طلاب اشاره کرد که از نظر کمی بخش وسیعی از حوزه علمیه را شکل می‌دهند. با وجود موانعی در ارائه دقیق آمار، به صورت تخمینی می‌توان تعداد کل

طلاب و روحانیون کشور را، ۱۵۰ هزار نفر برآورد کرد (شیر خانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). در بخش تحتانی این هرم نیز تحول عمده شامل افزایش تعداد طلاب، شکل‌گیری مجمع طلاب و فضایی حوزه - که خود باعث انسجام بخشی و نیز ایجاد مرکز قدرتی در میان طلاب شده است- و جدایی از منابع اقتداری سابق و روی آوردن به مرجعیت سیاسی (ولی فقیه) می‌باشد.

با توجه به آنچه گذشت، ساختار اقتداری روحانیت بعد از انقلاب را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود.

(فراتی، ۱۳۹۰، ص ۵۰)



شکل ۲- ساختار اقتدار در حوزه‌های علمیه

۳-۱-۲- ساختار اداری:

پیروزی انقلاب اسلامی آغازگر تحولاتی عمیق در ساختار اداری و مدیریتی حوزه‌های ایران بود. تا پیش از آن حوزه‌های علمیه از حیث ساختار اداری و بروکراتیک، خالی از هرگونه آیین‌نامه و شکل رسمی زیر نظر مراجع قرار داشتند؛ (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۴۰) اما تحولات وسیع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی نیاز گسترده‌ای به روحانیون ایجاد نموده و شکل‌گیری سازمان اداری منسجم و گسترده را برای مدیریت امور طلاب ضروری ساخت (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، ص ۴۴). تحولات تشکیلاتی و مدیریتی حوزه علمیه قم در دهه ۶۰ با مدیریت شورای منصوب از سوی مراجع و حضرت امام آغاز شد؛ (حسینی‌زاده، ن، ۱۳۸۶، صص ۳۷-۳۹) و در دهه ۷۰ با تاسیس مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و شورای عالی حوزه‌های علمیه (فیروزی، ۱۳۷۳، صص ۱۷-۱۸) از بروکراسی گسترده‌ای بهره‌مند گردید (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: ساختار اجرایی مرکز مدیریت حوزه علمیه: <http://www.modiryar.com/index-management/general/structure/1779-1388-03-14-16-27-42.html>) بوروکراسی جدیدی که محصول میل و خواست نظام سیاسی بود (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳) با وجود ایجاد نظم و ساماندهی آموزش-های حوزوی، از وابستگی حوزه‌ها به مراجع و استقلال عمل حوزه‌ها کاست (حسینی‌زاده، ن، ۱۳۸۶، صص ۳۷-۳۹).

۳-۲- پیامدهای مشارکت در قدرت بر کارکردهای روحانیت:

۳-۲-۱- کارکردهای سنتی:

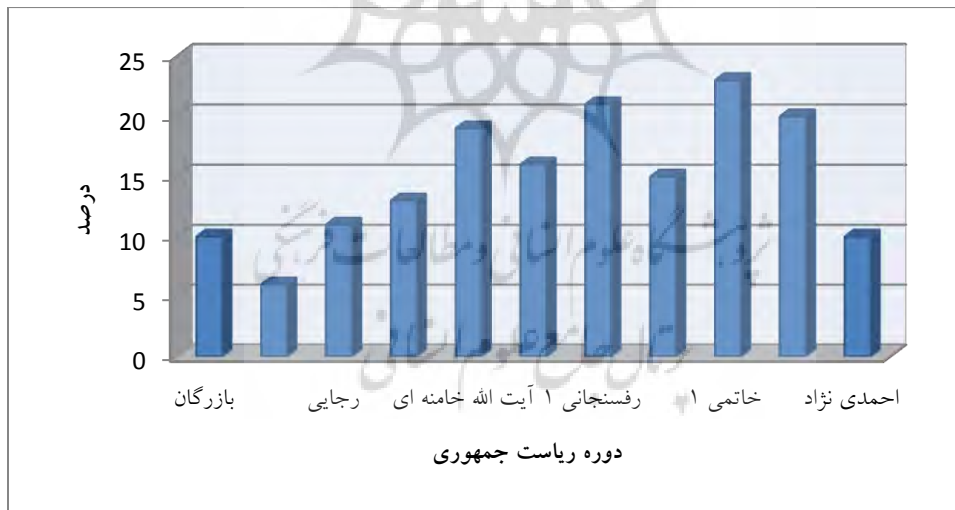
با وقوع انقلاب اسلامی فضای مناسبی برای توسعه این بخش از کارکردها ایجاد گردید. به عنوان مثال در بخش تبلیغ و ترویج دین تلاشهایی که برای ساماندهی و تشکیلاتی نمودن این کارکردها چه در زمان آیت‌الله بروجردی و چه بعد از وفات ایشان با تاسیس مرکزی به نام "دارالتبلیغ" صورت گرفته بود، قوت بیشتری یافته و خود را در قالب تشکلهایی چون دفتر تبلیغات اسلامی و "مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ" نمایان ساخت (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، صص ۷۲-۷۴).

۳-۲-۲- کارکردهای موقعیت‌مند:

۳-۲-۲-۱- کارکردهای سیاسی:

اگرچه تاثیرگذاری سیاسی روحانیت در سطوح و عرصه‌های مختلفی قابل طرح است؛ (ذوعلم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۵۱/زهیری، ۱۳۸۹، صص ۳۳-۳۴) اما در این نوشته، تنها به حضور روحانیت در مناصب اجرایی و قانونگذاری پرداخته می‌شود.

هرچند از نظر امام(ره) نقش سیاسی روحانیت هدایت و نظارت سیاسی بود (خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۰۳، ۱۴۰؛ ج ۲، ص ۴۶۶)؛ اما تحولات سال‌های اولیه انقلاب، ورود روحانیون به مناصب اجرایی را ضروری ساخته (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰) و با گذشت یک دهه از انقلاب اسلامی، نسبت به کارویژه‌های سنتی ایشان امری مهم‌تر تلقی گردید (مظفری، ۱۳۸۷، صص ۲۷۴-۲۷۵). با این حال حضور روحانیت در دولت‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده (فراتی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۳-۱۲۵) و نمودار زیر (<http://www.icfj.org/OurWork/MiddleEastNorthAfrica/ConferenceIran360/CPI/tabid/841/Default.aspx>) به خوبی نشان دهنده این امر می‌باشد.



نمودار: ۳- درصد حضور روحانیان در کابینه های مختلف بعد از انقلاب

حضور روحانیون در قوه مقننه نیز همچنان که جدول زیر نشان می‌دهد، با افول قابل توجی روبرو گردیده است (فراتی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰، Iran 360 The Clergy). نمایندگان روحانی در طی مجالس شش-

گانه از ۴۹,۰۵٪ در دور اول، به ۵۵٪ در دور دوم و ۳۰٪ در دور سوم، ۲۵٪ در دور چهارم، ۱۹٪ دور پنجم و ۱۲,۷۷٪ در دور ششم تنزل پیدا می‌کند (ازغندی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳).

جدول ۴- تعداد روحانیون مجالس بعد از انقلاب

ادوار مجلس	مجلس اول	مجلس دوم	مجلس سوم	مجلس چهارم	مجلس پنجم	مجلس ششم	مجلس هفتم
تعداد روحانیون	۱۷۱	۱۵۷	۸۸	۶۹	۵۹	۳۵	۴۱

از علل این تنزل می‌توان به بالا رفتن ارزش‌های مالی در مقابل مسائل معنوی، از دست دادن نقش اپوزیسیونی روحانیت، از دست دادن انسجام داخلی با درگیری جناحی و خطی (بشیریه، ۱۳۸۴، صص ۱۱۳-۱۱۵) و در نهایت نبود تخصص لازم در میان روحانیون اشاره کرد (ازغندی، ۱۳۸۵، صص ۱۷۳-۱۷۴).

مهمترین کارکرد آشکار سیاسی روحانیت در این دوره، کوشش برای حفظ، تداوم و تعالی نظام جمهوری اسلامی و دفاع از اصل ولایت فقیه به عنوان ضامن اسلامیت نظام سیاسی، بوده است (حسینی زاده، ن، ۱۳۸۶، صص ۳۷-۳۹). به هر حال کارکرد سیاسی روحانیت امروزه شکل بسیار ظریفی به خود گرفته است، چرا که ضرورت حفظ نظام سیاسی نوپای دینی و پرداختن به کارکرد مدنی که مستلزم انتقاد از عملکردهای کارگزاران حکومت می‌باشد چندان به راحتی قابل جمع نمی‌باشد (شیر خانی و زارع، ۱۳۸۴، صص ۲۳۵-۲۳۶).

۳-۲-۲- کارکرد اجتماعی و ایفای نقش مدنی و استقلال روحانیت:

جمع‌آوری و انعکاس مطالبات اجتماعی و دینی مردم به نظام سیاسی و در نتیجه حایل شدن میان قدرت حاکم و طبقات اجتماعی و مذهبی، (شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴، صص ۲۳۵-۲۳۶) از کارکردهای مهم مدنی نهاد روحانیت محسوب می‌گردد. مدنیت این نهاد که در گرو سیاسی نشدن و حفظ استقلال آن از دولت می‌باشد (میر موسوی، ۱۳۸۹، صص ۵۷-۵۸) با تشکیل دولتی اسلامی مرزهای روحانیت و نظام سیاسی دچار ابهام گردیده است؛ چرا که التزام روحانیت به پاسداری و حمایت از نظام اسلامی از سویی و عدم امکان برآورده کردن مطالبات جدید با امکانات سنتی و بدون کمک گرفتن از منابع دولتی و وظیفه دولت مدرن در

حمایت از نهادهای مدنی در قالب بودجه عمومی از سوی دیگر، جمع بین کارکرد سیاسی و انجام نقش مدنی به همراه حفظ استقلال روحانیت را دشوار می‌نماید (میر موسوی، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در هر حال مسئولین حوزوی معتقد هستند، روحانیت با وجود بهره‌مندی از بودجه دولتی و سیر صعودی آن، همچنان استقلال خویش را حفظ نموده است (http://www.asriran.com/fa/news/94673. Available at: ۳۰/۶/۱۳۹۰). طرح درخواست‌ها و حتی انتقادات روحانیون از دولت آقای احمدی‌نژاد (آلفونه، ۲۰۰۸، ص ۷) با وجود کمک‌های مالی فراوان این دولت نشان می‌دهد کمک‌های مالی نتوانسته چندان در کارکرد مدنی روحانیت اخلاص ایجاد نماید. با این حال همچنان در درون حوزه نگرانی‌هایی در باب استقلال حوزه‌های علمیه وجود داشته و بر آن تاکید می‌شود

(فراستی، ۱۳۹۰، صص ۱۸۳-۱۸۴ / بخشی از بیانات آیت‌الله جوادی‌آملی ، available at:

http://www.aftabnews.ir/vdchxznzi23nvxd.tft2.html. ۳۰/۶/۱۳۹۰ / سخنرانی آیت الله مکارم شیرازی available at:

http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1c1214040911_spiritusoity_p1.php. ۳۰/۶/۱۳۹۰).

تحول صورت گرفته در کارکردهای روحانیت و جایجایی کارکردی از فرهنگ به قدرت و سیاست نوعی تغییر کارکردی برای روحانیت تولید کرده است که از نظر برخی آسیب فراونی تولید کرده (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹، جلد ۱، ص ۴۳۴) و با کژکارکردهایی همراه هست که توجه به آنها می‌تواند روحانیت را در ادامه مسیر بیشتر کمک نماید. رابطه حسنه با نظام سیاسی و برعهده گرفتن کارکردهای سیاسی و اجرایی، هرچند مزایایی برای روحانیت ایجاد کرده اما آسیب‌هایی نیز به اقتدار اجتماعی روحانیت وارد ساخته است. زیرا روحانیت بخش بزرگی از اقتدار اجتماعی خویش را که ناشی از رویارویی وی با قدرت سیاسی بود را با تصدی‌گری سیاسی از دست داده و در برابر نابرابری‌های اجتماعی پاسخ‌گو شده است. از دیگر عوارض آن سر برآوردن مجدد رقیب سنتی قرائت شریعت گرایانه روحانیت، یعنی نگاه عارفانه به دین می‌باشد (کاشی، ۱۳۸۹، جلد ۱، صص ۴۱۶-۴۱۷). مبتنی بودن ارزش‌های نظام سیاسی بر آموزه‌های دینی، رغبت مردم به این آموزه‌ها و به تبع آن جایگاه روحانیت در اجتماع را به کارآمدی نظام و دولت پیوند داده است. سرخوردگی از نظام سیاسی و عدم رضایت‌مندی از آن، افزون بر کاهش مشروعیت نظام سیاسی، روحانیت را نیز به عنوان کارگزار فرهنگی نظام دچار چالش نموده و روحانیت را از صدر گروه‌های مرجع به زیر می‌کشد (زهیری، ۱۳۸۹، صص ۳۳-۳۴). این موضوع با توجه به تنزل میزان محبوبیت روحانیت در طول این چند دهه قابل تامل می‌باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۹، صص ۱۶۵-۱۶۶).

نتیجه گیری

روحانیت به عنوان سیستمی پویا با ورود به عرصه سیاست و ایجاد محیطی متفاوت در دو مقطع مشروطه و انقلاب اسلامی، با تحولاتی در ساختار و کارکردهای خود مواجه گردیده است. بعد از مشروطه روحانیت در ساختار اقتداری خود با حذف مناصب رسمی (حکومتی) همراه بود. انتقال مرکزیت حوزه از عراق به ایران تحول دیگری در این بخش است. در لایه‌های مختلف روحانیت نیز با وجود تلاشهایی برای ایجاد تمرکز در مرجعیت و مدیریت حوزه، تحول عمده‌ای مشاهده نمی‌شود. بخش میانی هرم اقتداری فاقد هرگونه انسجام گروهی بوده و مشروعیت خویش را از مرجعیت دریافت می‌کند. در این دوره تلاشهایی نیز برای سازماندهی و ایجاد مدیریت متمرکز صورت می‌گیرد. درحالیکه بعد از انقلاب اسلامی، مناصب رسمی در میان روحانیون شکل گرفته و نقشهای جدید هرم اقتداری روحانیت را دچار تحول می‌نماید. به طوری که نقشی چون ولی فقیه با توسل به قدرت سیاسی، بر حوزه نفوذ وی در هرم اقتداری روحانیت افزوده شده و به جایگاه مرجعیت و حتی مرجع عام دست می‌یابد. در هرم اقتداری سنتی نیز اگرچه لایه جدیدی شکل نگرفته اما روابط اقتداری آن دچار تغییر گردیده است. شکل‌گیری گروههای منسجمی در میان لایه‌های میانی چون جامعه مدرسین و نقش تعیین‌کنندگی مرجعیت و گاه سلب آن، قدرتی قابل توجه به آن بخشیده است؛ به طوری که دیگر مشروعیت خویش را از مرجعیت کسب نمی‌کند. بخش تحتانی این هرم نیز متأثر از لایه‌های میانی بیشتر به مرجعیت سیاسی روی آورده و از دامن مرجعیت سنتی پراکنده شده‌اند. اما از حیث سازمانی تحولات صورت گرفته در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ چندان با گذشته قابل مقایسه نمی‌باشد؛ چرا که تا قبل از آن از سازمان بروکراتیک منسجمی که بعد از انقلاب در قالب شورای مدیریت حوزه علمیه قم و شورای عالی حوزه‌های علمیه شکل گرفته، خبری نبوده است.

از حیث کارکردی با شکست مشروطه و ناکامی روحانیت در رسیدن به اهداف خود، کارکردهای موقیت-مند روحانیت در بخشهای مختلف به قهقرا می‌رود. در حالی که با انقلاب اسلامی تحول گسترده‌ای در کارکردهای روحانیت با چرخش از کارکردهای سنتی به موقعیت‌مند و بویژه کارکرد سیاسی صورت گرفت؛ هرچند همانند بعد از مشروطه حضور روحانیت در مناسب اجرایی و تقنینی کمتر و کمتر شده و تنها به مناصبی که از سوی قانون به ایشان اختصاص داده شده محدود گردیده است. به هر روی روحانیت بعد از انقلاب اسلامی به نسبت بعد از مشروطه در بخش ساختاری سازمان یافته‌تر، از حیث اقتداری پیچیده‌تر، و از نظر کارکردی گسترده‌تر شده است.

فهرست منابع:

۱. ابوالحسنی، علی، آخرین آواز قو، چ ۱، نشر عبرت، تهران، ۱۳۸۰.
۲. اجدانی، ماشالله، مشروطه ایرانی، پنجم، اختران، تهران، ۱۳۸۲.
۳. اچ. ترنر، جانانان، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، اول، موسسه امام خمینی، قم، ۱۳۷۸.
۴. اخلاقی، محمدعلی، شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، اول، شیعه‌شناسی، تهران، ۱۳۸۴.
۵. ازغندی، علیرضا، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، اول، قومس، تهران، ۱۳۸۵.
۶. اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، علی محمد حاضری و دیگران، اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵.
۷. الگار، حامد، ایران و انقلاب اسلامی، مترجمین سپاه پاسداران، انتشارات سپاه پاسداران، بی تا.
۸. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ابوالقاسم سری، دوم، توس، ۱۳۶۹.
۹. الگار، حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ابوالقاسم سری، دوم، توس، ۱۳۵۹.
۱۰. ایوانف، م. س، تاریخ ایران نوین، هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، بی جا، بی نا، ۱۳۵۶.
۱۱. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، از مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران، کاظم فیروزمند و دیگران، دوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸.
۱۲. آجدانی، لطف‌الله، علماء و انقلاب مشروطیت ایران، اختران، تهران، ۱۳۸۳.
۱۳. آذرشب، محمدعلی، تاریخ صد ساله روحانیت، رضا بسطامی، Available at: <http://zamane.info>, ۳۰، ۱۳۹۰.
۱۴. آزاد ارمکی، تقی، روحانیت، آسیب‌ها و تهدیدها، در: حوزه و روحانیت، مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، تهران، جلد اول، ۱۳۸۹.
۱۵. آلفونه، علی، احمدی نژاد در برابر روحانیت، چشم انداز خاورمیانه، در: Middle eastern Outlook ° Persian: August, ۵ Edition, No. ۷, p ۲۰۰۸.
۱۶. بخشایشی، عقیق، یکصد سال مبارزه روحانیت مرفقی، نوید اسلام، بی تا، جلد سوم.
۱۷. بدلا، حسین، هفتاد سال خاطره، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۸. برن، آگ و نیم کوف، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس ا.ح. آریانپور، دهم، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶).
۱۹. بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
۲۰. بشیریه، حسین، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چاپ سوم، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. بصیرت منش، حمید، علما و رژیم رضا شاه، اول، عروج، تهران، ۱۳۷۶.
۲۲. بیل، جیمز و ویلیام راجرز لوییس، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، گفتار، تهران، ۱۳۷۲.
۲۳. توال، فرانسوا، ژئوپولیتیک شیعه، کتابیون باصر، اول، ویستار، تهران، ۱۳۸۲.
۲۴. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سیزدهم، سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۲۵. تهرانی، آقابرگ، نقباء البشر، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴، ج ۳.
۲۶. جامی (جبهه آزادی مردم ایران)، گذشته، چراغ راه آینده است: تاریخ ایران در فاصله دو کودتا، سمندر، تهران، ۱۳۵۵.

۲۷. جعفریان، رسول، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۸. جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی، اول، انصاریان، قم، ۱۳۷۰.
۲۹. جمعی از نویسندگان تاریخ ایران کمبریج، سسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، عباس مخبر، اول، طرح نو، تهران، ۱۳۷۱.
۳۰. جناتی، محمدابراهیم، نقش حکومت اسلامی در شکوفایی و گسترش فقهت، در: امام خمینی و حکومت اسلامی (روحانیت، اجتهاد، دولت) مجموعه آثار ۸، اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸.
۳۱. چیلکوت، رونالد، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، وحید بزرگی و علیرضا طیب، دوم، خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۸.
۳۲. حائری یزدی، مهدی، خاطرات، مهدی حائری، به کوشش حبیب لاجوردی، کتاب نادر، تهران، ۱۳۸۲.
۳۳. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
۳۴. حسینی‌زاده، محمدعلی، نهاد روحانیت ایران در بستر زمان، شهروند امروز، ۹ دی ۱۳۸۶.
۳۵. حسینی‌زاده، محمدعلی، اسلام سیاسی در ایران، چاپ اول، موسسه انتشاراتی دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۶.
۳۶. حسینیان، روح‌الله، تاریخ سیاسی تشیع، اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۳۷. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۲ و ۳.
۳۸. خوشوقت، محمد حسین، تجربه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، اول، تهران، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۵۷.
۳۹. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، بنیاد فرهنگی امام رضا، تهران، چاپ اول، ج ۱ و ۲، ۱۳۵۸.
۴۰. دوران، دانیل، نظریه سیستم‌ها، محمد یمنی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۴۱. دوروسنی، ژوئل و جون بیشون، روش تفکر سیستمی، امیر حسین جهانگل، دوم، پیشبرد، ۱۳۷۴.
۴۲. ذاکری، علی‌اکبر، رفتار شناسی سیاسی آیت‌الله حائری، مجله حوزه، سال ۲۱، شماره ۱۲۶، بهمن ۱۳۸۳.
۴۳. ذوعلم، علی، روحانیت و قدرت سیاسی در تجربه جمهوری اسلامی، در مجموعه مقالات انقلاب اسلامی، نشر معارف، قم، ۱۳۸۵، جلد ۱.
۴۴. رابرتسون، یان، درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.
۴۵. رازی، محمدشریف، گنجینه دانشمندان، اسلامیه، تهران، ۱۳۵۲.
۴۶. رضائیان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، سوم، سمت، تهران، ۱۳۷۷.
۴۷. رفیع‌پور، فرامرز، توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران، چاپ چهارم، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۹.
۴۸. روحبخش، رحیم، بردبادری برای بارور شدن نهال دین، ماهنامه زمانه، سال هشتم / شماره ۸۶-۸۷ / آبان و آذر ۱۳۸۸.
۴۹. روحبخش، رحیم، دغدغه‌های آیت‌الله، روزنامه شرق، (۱۷ فروردین ۱۳۸۴).
۵۰. زهیری، علیرضا، آسیب‌شناسی روحانیت در گسترده سیاست، در: حوزه و روحانیت، مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، تهران، جلد اول، ۱۳۸۹.
۵۱. زیباکلام، صادق، سنت و مدرنیته، تهران، روزنه، ۱۳۷۷.
۵۲. سلطانی طباطبایی، سید محمد باقر، حوزه، سال هشتم، شماره ۴۳-۴۴، بهار و تابستان ۱۳۷۰.
۵۳. سیر قانون‌گذاری در ایران معاصر، مجله حوزه، شماره ۱۸، دی ۱۳۶۵.
۵۴. سیف، توفیق، استبداد ستیزی، محمد نوری و دیگران، اول، کانون پژوهش، اصفهان، ۱۳۷۹.
۵۵. شجاعی‌زند، علیرضا، روحانیت و موقعیت جدید، شیعه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۶ (تابستان ۱۳۸۸).

۵۶. شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران، سخن، تهران، ۱۳۷۱.
۵۷. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، زریاب، تهران، دوم، ۱۳۸۳.
۵۸. شیرخانی، علی و عباس زارع، تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۵۹. صاحب الزمانی، ناصرالدین، دیباچه ای بر رهبری، موسسه عطائی، تهران، ۱۳۴۵.
۶۰. صفایی، ابراهیم، رضا شاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۵۶.
۶۱. علم الهدی، منصور، درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت، اول، نصایح، قم، ۱۳۷۹.
۶۲. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، بهاء الدین خرمشاهی، دوم، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲.
۶۳. فراتی، عبدالوهاب، درآمدی بر مناسبات روحانیت و قدرت، در کتاب: حوزه و روحانیت، مسائل، آسیب ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، اول، موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، تهران، جلد اول، ۱۳۸۹.
۶۴. فراتی، عبدالوهاب، روحانیت و سیاست، اول؛ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
۶۵. فراتی، عبدالوهاب، روحانیت، سیاست و دموکراسی، روزنامه جام جم، شماره: ۱۰۰۸۹۸۵۴۳۹۶۷، دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۸۷.
۶۶. فرشاد، مهدی، نگرش سیستمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۶۷. فوران، جان، مقاومت شکننده، احمد تدین، چهارم، رسا، تهران، ۱۳۸۲.
۶۸. فیاض، عمادالدین، حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۶۹. فیروزی، عباس، سیر تاریخی تشکیل شورای عالی و مدیریت حوزه، پیام حوزه، سال اول، ش اول، بهار ۱۳۷۳.
۷۰. قلی پور، آرین، جامعه شناسی سازمانها، اول، سمت، تهران، ۱۳۸۰.
۷۱. کاشی، غلامرضا، روحانیت، تهدیدها و فرصت ها، در: حوزه و روحانیت، مسائل، آسیب ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، تهران، جلد اول، ۱۳۸۹.
۷۲. کدی، نیکی، ریشه های انقلاب ایران، عبدالرحیم گواهی، اول، قلم، ۱۳۶۹.
۷۳. کرباسچی، غلامرضا، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه علمیه قم) اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۸۰.
۷۴. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، دوم، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۷۵. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه شناسی، محسن ثلاثی، ششم، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴.
۷۶. کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، اول، مجید، صدای معاصر، تهران، ۱۳۷۹.
۷۷. لمبتون، آن، اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، منیر برزین، بی تا، بی نا.
۷۸. لمبتون، آن، نظریه دولت در ایران، چنگیز پهلوان، دوم، گویو، تهران، ۱۳۷۹.
۷۹. مارتین، ونسا، چانه زنی، اعتراض و دولت در ایران، افسانه منفرد، اول، کتاب آمه، تهران، ۱۳۸۹.
۸۰. مبرقی، سید مرتضی، مجله حوزه، سال هشتم، شماره ۴۳-۴۴، بهار و تابستان ۱۳۷۰.
۸۱. مسعود کوهستانی نژاد، موسسه وعظ و خطابه، گنجینه، سال اول، دفتر اول، بهار ۱۳۷۰.
۸۲. مظفری، آیت، مناسبات روحانیت و دولت در ایران معاصر، اول، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۷.
۸۳. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ششم، علمی، ۱۳۸۰، ج ۳ و ۴.
۸۴. ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت، چاپ دوم، علمی، ۱۳۶۲، ج ۱ و ۲.
۸۵. ملکم، سرجان، تاریخ ایران، میرزا حیرت، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، ج ۲.
۸۶. میرموسوی، سیدعلی، روحانیت و مردم سالاری، در: روحانیت و حوزه؛ مسائل، آسیب ها، کارکردها، جمعی از دانشوران حوزه و دانشگاه، به کوشش باقری فر، دو مجلد، اول، انتشارات بشری، تهران، ج اول، ۱۳۸۹.

۸۷. نجفی، موسی، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت، تجدد)، اول، مرکز انتشاراتی منیر، تهران، ۱۳۷۸.
۸۸. نفیسی، سعید، تاریخ سیاسی اجتماعی ایران در دوره معاصر، موسسه مطبوعاتی شرق، تهران، ۱۳۳۵، ج ۱.
۸۹. نقیب‌زاده، احمد، نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
۹۰. نیکوپوش، فرزانه، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، اول، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱.
۹۱. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق، مبانی جامعه‌شناسی، دهم، تهران، انتشارات بهینه.
۹۲. وست، چارلز، چرچمن، نظریه سیستم‌ها، وحید اصلانی، دوم، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۶۹.
۹۳. هاشمی‌رفسنجانی، اکبر، نقش روحانیت در انقلاب، اول، حزب جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۰.
۹۴. Faghfoory, Mohammad H., The Impact of Modernization on the Ulama in Iran, 1925-1941, Iranian Studies, Vol. 26, No. 3/4 (Summer - Autumn, 1993).
۹۵. Laurent Lamote, Iran's Foreign Policy and Internal Crisis, IRAN'S STRATEGIC INTENTIONS AND CAPABILITIES, Edited by PATRICK CLAWSON, McNair Paper 29 April 1994
۹۶. Iran 360 : The Clergy, available At: Http:// www. Icfj. Org /Our Work/ Middle East North Africa/ Conference Iran 360/ CP1/ tabid/ 841/Default. Aspx. 30/6/1390
۹۷. منابع اینترنتی:
۹۸. <http://www.asriran.com/fa/news/94673> ۱۳۹۰/۶/۳۰
۹۹. <http://www.aftabnews.ir/vdchxznzi23nvxd.tft2.html> ۱۳۹۰/۶/۳۰
۱۰۰. http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1c1214040911_spiritusoioty_p1.ph ۱۳۹۰/۶/۳۰, p.
۱۰۱. <http://www.icfj.org/OurWork/MiddleEastNorthAfrica/ConferenceIran360/CP1/tabid/841/Default.aspx>
۱۰۲. <http://www.modiryar.com/index-management/general/structure/1779-1388-03-14-16-27-42.html>